

درباره بیانات رهبر انقلاب در روز عید فطر

اختلافات دزدان قافله؛ آزادی قدس دیگر یک رویا نیست

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در روز عید فطر در بیاناتشان در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام و سفرای ✨
افول رژیم صهیونیستی از چند «کشورهای اسلامی در باب وضعیت فعلی رژیم اشغالگر قدس تصریح کردند
». «سال قبل آغاز شده است، اکنون سرعت یافته و جهان اسلام باید از این فرصت بسیار بزرگ استفاده کند
به همین مناسبت و برای تبیین و موشکافی گرفتاری‌های فعلی رژیم صهیونیستی به KHAMENEI.IR رسانه
سراغ دکتر عباس خامه‌یار رایزن فرهنگی سابق ایران در لبنان و مدرس دانشگاه رفته است تا این مقوله را مورد
بررسی قرار دهد.

❖ رهبر انقلاب در دیدار روز عید فطر با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی به افول تدریجی
رژیم غاصب اشاره کردند و گفتند «این افول که از چند سال قبل آغاز شده است، اکنون سرعت
یافته» ریشه این تحولات از کجا سرچشمه می‌گیرد و چرا رژیم صهیونیستی امروز به این نقطه از
بحران رسیده است؟

از ابتدای شکل‌گیری اندیشه صهیونیسم بین جناح‌های گوناگون صهیونیست‌ها و بنیان‌گذاران حرکت استعماری
اشغالگری اختلاف‌نظر وجود داشت و اختلافات عمیق صهیونیست‌ها از همان ابتدا رخ نمود و طی یک ماه در
سپتامبر و اکتبر ۱۹۴۴ بن گوریون که بعداً اولین نخست‌وزیر و رئیس دولت پس از اعلام تشکیل کشور یهودی
شد و لوی اشکول یکی دیگر از رهبران صهیونیسم وجود داشت. آنها برای حل اختلافات عمیقشان بارها با
یکدیگر دیدار کردند. دو جریان متضاد بودند و از همان آغاز تا کنون طی ۷۵ سال اختلافات بین این دو جریان و
بعداً جریان‌های متعاقبی که ایجاد شدند ادامه داشت و طی سالیان و دهه‌های گذشته و به‌ویژه چند سال اخیر
یک عامل دیگر مذهبی افراط‌گری یهودی نیز به این جریان‌های سیاسی صهیونیسم افزوده شد و عمق بیشتری
به اختلافات بخشید.

آنها یکدیگر را نازی و حتی هیتلر می‌نامیدند و صدا می‌زدند. اختلافات اشغالگران به‌خاطر چگونگی راندن
فلسطینی‌ها و ایجاد شهرک‌های یهودی و اشغالگری در داخل سرزمین‌های اشغالی و حل مشکل یهودیت در
سطح جهان بود و به تعبیر دیگر می‌توان گفت این اختلافات، اختلافات دزدان قافله بود که سرزمینی را به‌ناحق
و با حمایت انگلیسی‌ها در قالب سند تاریکی که به‌عنوان ننگین‌ترین سند در تاریخ جهان به شمار می‌رود و
بیانیه بالفور با هم متحد شدند و کشوری را که به آنها تعلق نداشت اشغال کردند و آن را جایگاهی برای یهودیان

عالم قرار دادند. این اختلافات از آن زمان وجود داشته و تا به امروز ادامه دارد و با افزودن عامل مذهبی افراطی، یهودی‌سازی سرزمین به این شکل جلوه‌گر شده است. آنچه امروز در اسرائیل می‌بینیم ایجاد یک دولت راست‌گرای مذهبی افراطی است که می‌توان دو هدف بنیادین را برایش در نظر گرفت؛ اولاً این خطرناک‌ترین دولت در تاریخ رژیم است؛ یعنی یک دولت کاملاً نژادپرست که تمام‌عیار دشمن بی‌سابقه فلسطینی‌هاست و بسیار خشن، متعصب، مرتجع و دارای رؤیاهای دروغین یهودیت است و اکنون بر اساس اختلافات ریشه‌ای که با هم داشتند به جان هم افتاده‌اند و صحبت از کودتای قانونی علیه ساختارهای حاکم در میان است به‌ویژه در رابطه با قوه قضاییه از طریق دادن اختیارات زیاد به دولت. دولت نتانیاهو به دنبال انتخاب قضاوت و محدود ساختن و شرط گذاشتن در دادگاه عالی و یک اختلاف در بین گروه‌های همسوی سیاسی و جریان سکولار و ناسیونالیسم افراطی و گروه‌های مذهبی است. آنچه مدنظر آنهاست فشار به فلسطینی‌ها، گسترش کرانه غربی، یهودی‌سازی کامل سرزمین‌های اشغالی به‌خصوص سرزمین‌های ۱۹۴۸ و خود قدس، حرکت به سمت ساخت اسرائیل بزرگ که یک رویای تاریخی است و از سال ۱۹۶۷ تحقق این امر از سوی جریان‌های صهیونیسم آغاز شده و تشکیل دولت فلسطینی با پایتختی قدس شرقی به استثنای گروه‌های میانه‌رو که با ایجاد یک نوع این گروه‌ها قدس را به‌عنوان پایتخت ابدی اسرائیل قلمداد می‌کنند و حکومت خودمختار به‌شدت مخالف‌اند این سرزمین‌ها را از دیرباز متعلق به یهودیان می‌دانند؛ در این راستا و برای تحقق این خواسته‌ها با هم اختلاف دارند و اختلافات‌شان بر سر اشغالگری و برای ایجاد یک نوع دزدی قافله است و به دنبال سهم‌خواهی بیشتر از جریان‌های متضاد و مخالف خود در میان صهیونیست‌ها هستند.

دوقطبی‌هایی که در اسرائیل رو به افزایش است از چه مختصاتی برخوردار است؟

آنها اشغالگرانی بودند که از مناطق مختلف جهان با فرهنگ‌ها، ایده‌ها و جغرافیای متفاوت گرد هم آمدند و نقطه مشترک همه آنها غارتگری، رسیدن به یک نوع آسایش و آرامش و غارت و آوارگی یک ملت بود. با توجه به گرایش‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی که داشتند و دارند الان به‌خاطر مقاومت فلسطینی‌ها و اقدامی که فلسطینی‌ها طی سالیان گذشته برای ماندن و دفاع از سرزمین‌شان داشتند با بن‌بست جدی روبه‌رو شدند و یک بحران بی‌سابقه در سرزمین‌های اشغالی ایجاد شد؛ این بحران از یک طرف به‌خاطر مرکزیت پروژه صهیونیسم و زیرساخت رویای یهودیان سرزمین اجدادی و قدیمی و سنتی به ادعای خودشان بوده و قدس را به‌عنوان پایتخت ابدی اسرائیل می‌دانستند و آثار مقدس کنیسه و سرزمین موعود را همگی بهانه قرار داده بودند برای اینکه قدس را به‌عنوان پایتخت ابدی قلمداد کنند. مقاومت فلسطینی‌ها به‌خصوص در سال ۲۰۲۱ مقاومت بی‌سابقه‌ای بود و در این مقاومت، جنگ سیف القدس رخ داد و معادلات و موارد بازدارندگی جدیدی را به وجود آورد.

در این رابطه، بحث کرانه غربی به وجود آمده است؛ نسلی که امروز در کرانه غربی زندگی می‌کنند، یعنی نسل

دست پرورده اشغالگران، بعد از اشغال به دنیا آمده‌اند و در چارچوب موارد امنیتی تحمیلی رژیم صهیونیستی برخلاف تصور بسیاری، این نسل به گونه‌ای مقاومت کرده‌اند که بدون هیچ‌گونه ارتباط سازمانی، زندگی می‌کنند با جریان‌های رسمی سیاسی و جهادی فلسطین، خود را برای دفاع و مقاومت در برابر اشغالگران با روحیه شهادت طلبی آماده کرده‌اند. در این راستا، ۴۵۰ نفر از این نسل کرانه به شهادت رسیده‌اند و ۳۵ نفر از صهیونیست‌ها را به هلاکت رسانده‌اند که یک اقدام بی‌سابقه است.

از طرف دیگر، بحران‌های بی‌سابقه مختلفی مثل شکل‌گیری یک دولت افراطی، بحران هویت، بحران واگرایی و اختلاف اجتماعی، بحران فساد، بحران‌های اخلاقی و جنایت‌های متعدد، در رژیم صهیونیستی به صورت مستمر و زنجیره‌ای رخ داده است. این تحولات، علاوه بر ایجاد ادبیات جدیدی در اسرائیل که یک ادبیات بی‌سابقه در تاریخ اشغالگری است و دیگر معترف‌اند به نابودی اسرائیل؛ و می‌گویند نقطه ضعف در گنبد آهنین موشکی نیست، بلکه اختلافات درونی رژیم صهیونیستی باعث نابودی اسرائیل خواهد شد. این اعترافات و سخنان روزانه که به نابودی و رو به اضمحلال بودن اسرائیل اشاره دارند، ورد زبان همه مسئولان، سیاستمداران و تحلیلگران این رژیم است.

موضوع مهاجرت معکوس از اسرائیل چه روندی خواهد داشت؟

اساساً توقف روند مهاجرت به سمت فلسطین اشغالی در گذشته به عنوان یک فاجعه تلقی می‌شد و حتی کندی مهاجرت به سمت سرزمین‌های اشغالی نیز به عنوان یک فاجعه مدنظر اسرائیلی‌ها بود؛ این مساله همیشه یک موضوع مورد اهتمام برای صهیونیست‌ها بود و برای مهاجرت به این سرزمین برنامه داشتند. بسیاری از آفریقایی‌ها را به شیوه‌ها و عناوین گوناگون با هویت‌سازی‌های جعلی یهودی تلقی می‌کردند. به هر طریقی بود و از هر جا افرادی را به سوی سرزمین‌های اشغالی گسیل داشتند تا جمعیت‌شان را افزایش دهند. مساله مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی یک راهبرد فوق‌العاده رژیم در سال گذشته بود و کندی این مهاجرت یک فاجعه قلمداد می‌شد.

امروز این فاجعه اعماق و ابعاد بیشتری یافته و نه تنها متوقف یا حرکتش رو به کندی است، بلکه معکوس شده و برای اولین بار در تاریخ این رژیم، یهودی‌هایی که برای ماندن به این سرزمین یورش بردند و با انواع تطمیع‌ها آمدند که بمانند و زندگی کنند، امروز دنبال کسب تابعیت کشورهای مختلف هستند. تا یک ماه گذشته، ۸۰ هزار یهودی تابعیت کشورهای دیگر را درخواست کردند و این برای جمعیت اندک یهودی اشغالگر فلسطین یک فاجعه است که رو به افزایش بوده و نشان‌دهنده ناامیدی، پشیمانی و یک نوع فروپاشی آرمانی یهودیان نسبت به کشور آرمانی‌شان است. این مهاجرت معکوس یا فرار از سرزمین‌های اشغالی واقعیتی است که ممکن است

مفاهیم عمیق‌تری برایش در نظر گرفته شود.

رهبر انقلاب، عامل اصلی وضع فلاکت‌بار رژیم غاصب را مقاومت پر برکت درونی مردم فلسطین و خطر پذیری و جان برکفی جوانان آن دانستند. قدرتمندتر شدن مقاومت چقدر می‌تواند به پایان رژیم صهیونیستی کمک کند؟

اگر بخواهیم واقعیت قدرت مقاومت را در نظر بگیریم قواعد بازدارنده‌ای که جبهه مقاومت به وجود آورد اسرائیلی‌ها را درمانده کرد. این قواعد بازدارندگی در داخل فلسطین بعد از جنگ سیف القدس در ماه مبارک دو سال پیش ایجاد شد و برای اولین بار فلسطینی‌ها در برابر تعرض اشغالگران به قدس شریف و مسجد الاقصی به گونه‌ای عمل کرده و در مقابل فشار اشغالگران برای تخلیه مناطق مسکونی محله شیخ جراح در قدس شریف مقاومت کردند که منجر به جنگ و مقاومت شد و قواعد جدیدی در آنجا در رابطه با جنگ بر دشمن تحمیل شد. این قواعد جدید به گونه‌ای بودند که خود فلسطینی‌ها توانستند هم آغازگر جنگ و هم پایان‌دهنده آن باشند، برخلاف سال‌های گذشته که جنگ‌ها و قتل‌عام‌ها را اسرائیلی‌ها تعیین می‌کردند و این یک نقطه تحول تاریخی است. همچنین قواعد بازدارنده‌ای که حزب‌الله در لبنان به وجود آورد اسرائیلی‌ها را درمانده کرد. حملاتی که شب‌های اخیر از جنوب لبنان به سمت سرزمین‌های اشغالی و شهرک‌نشینان صورت گرفت چنان اسرائیلی‌ها را مستأصل کرد که امکان پاسخگویی نداشتند و به‌طور سمبلیک سمت مناطق خالی از سکنه و خالی اسرائیلی‌ها به دنبال از مراکز نظامی را حمله کردند تا افکار عمومی داخلی را متقاعد کنند به اینکه قوی هستند این بودند که مشکل درونی و بحران سیاسی به‌وجود آمده در داخل جامعه اسرائیل و شکاف سیاسی، مذهبی و اجتماعی را به شکلی به بیرون ربط دهند و یک حالت برون‌رفت از این بحران را داشته باشند؛ اما قواعد بازدارندگی مقاومت به نوعی بود که امکان برون‌رفت برای اسرائیلی‌ها نبود.

امروز پاسخی که اسرائیلی‌ها از فلسطینی‌ها در داخل سرزمین‌های اشغالی و خود غزه دیدند و اعلام آمادگی که جبهه مقاومت کرد، از یمن تا عراق و خود لبنان، نشان‌دهنده قدرت واحدی است که این قدرت واحد در محور مقاومت اسرائیلی‌ها را در هر گونه درگیری آینده، زمین‌گیر خواهد کرد و این یک بحث جدی است.

آنچه در پی درگیری‌های ماه اخیر به شعار واحد محور مقاومت تبدیل شد این است که «قدس تنها نیست» و «قدس تنها نیست» شاید برای اولین بار به‌عنوان یک فرمول بازدارندگی فوق‌العاده مطرح است. «قدس تنها نیست» به این مفهوم است که امکان تجزیه و تقسیم قدس و امکان اینکه قدس پایتخت ابدی اسرائیل باشد وجود ندارد. این منطقه و شهر پایتخت ابدی فلسطین خواهد بود و قدس برای همه مقدس است؛ لذا هر گونه

تعرض به این قدس به ایجاد یک جنگ فراگیر می‌انجامد که این جنگ فراگیر بیش از گذشته اسرائیل را آسیب‌پذیر خواهد کرد که نشان‌دهنده وضعیت قدرت مقاومت در همه منطقه و محور است؛ از صنعا گرفته تا بغداد، بیروت، دمشق و تهران.

حالا شرایط نسبت به گذشته کاملا متفاوت است و آمریکایی‌ها در واکنش به حوادث شب‌های پیش برای اولین بار و در یک اقدام ناباورانه اعلام کردند فلسطینی‌ها حق دارند مراسم مذهبی و نمازشان را در قدس برپا کنند و همه افراد را به خویشتنداری دعوت می‌کنند؛ این برخلاف گذشته است که آمریکایی‌ها فلسطینی‌ها را محکوم می‌کردند، عامل هر اقدامی را که انجام می‌شد فلسطینی‌ها می‌دانستند و حمایت خود از اشغالگران را اعلام می‌کردند. این برخورد و موضع‌گیری نشان‌دهنده ناامیدی از حل بحران درونی صهیونیست‌هاست و خود آمریکایی‌ها نیز در این بحران طرف جناحی از صهیونیست‌ها را گرفتند که نشان‌دهنده عمق بحران در درون جامعه اسرائیل است.

برخی ممکن است معتقد باشند که این بحران فعلی رژیم صهیونیستی یک بحران زودگذر و دورهای است، نظر شما چیست؟

این بحران برخلاف تصویری که ممکن است داخل کشور یا خارج از محور مقاومت وجود داشته باشد که بحران زودگذر است یا اینکه مقاومت از قدرت کافی برخوردار نیست که بتواند با اسرائیلی‌ها مقابله کند، امروز حقیقتا امروز این آرمان به بحث فروپاشی رژیم اشغالگر یک واقعیت است و به هیچ‌وجه یک شعار و یک آرمان نیست اعتقاد همه کسانی که در منطقه حضور دارند و همه ملت‌هایی که از نزدیک به نوعی با این وضعیت نزدیک‌اند و شناخت دارند، فروپاشی را فروپاشی جدی می‌دانند و امکان تحقق آن را فقط یک آرمان نمی‌دانند و واقعیتی است که در حال انجام است. آنچه در این رابطه و برای تحقق این رویا مهم است، داشتن یک برنامه استراتژیک و راهبرد سیاسی، امنیتی و نظامی است و این چیزی است که محور مقاومت طی سالیان اخیر نسبت به آن برنامه‌ریزی کرده و اقدام می‌کند.

امروز آزادی کل فلسطین برخلاف تصور سنتی کاملا امکان‌پذیر است و تاکید می‌کنم آزادی کامل امروز یک رویا نیست و بحران‌های درونی مثل بحران هویتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی که بحران‌های جدی عقیدتی در درون جامعه اشغالگری هستند، کمک شایانی به تحقق رویای آزادی سرزمین‌های اشغالی و فروپاشی رژیم اشغالگر می‌کنند و آن را نوید می‌دهند.